

رحیم کارگر

تبلیغ در سیره و گفتار عارفان



تبلیغ آینه محبت و عشق ورزی

در راه خداست؟» چه زیباست که این گوهر گران بها و پر قیمت زندگی را نثار مؤمنان و یکتاپرستان کنیم. و کیمیای عشق و علاقه خود را از آنان دریغ نوزیم.

کمال الدین حسین کاشفی بیهقی گفته است: «رحمت و شفقت یک رکن از ارکان دین است؛ چنان که از مضمون این حدیث استفاده می شود: «الْتَّعْظِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَالسَّفَقَةُ عَلَى خَلْقِ اللَّهِ». قصر دین

۱- امام صادق علیه السلام.

اساس و قوام زندگی اجتماعی مبتنی بر نوع دوستی، محبت به یکدیگر، عشق، علاقه و احترام است و رحم و شفقت و دلسوزی نسبت به دیگران، در فطرت پاک انسانها، به ودیعه نهاده شده است.

در شریعت جهانی اسلام تأکید زیادی بر محبت و دوستی شده و به عنوان رکن مهم و اصلی ایمان مطرح گردیده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ؟ آیا ایمان جز دوستی و دشمنی

در دلسوزی، شفقت و رحمت، انس و علاقه، خیرخواهی، نرمی در گفتار، ملامت در سرخورد، مهربانی، عطف، خوش اخلاقی، دوری از خشم و غضب و ... دانست.

به یقین می توان گفت که: «تبلیغ و ارشادی که همراه با محبت و شفقت باشد، بهترین و ماندنی ترین آثار را به جای خواهد گذاشت.»

فسطرت مسلم سراپا شفقت است

در جهان دست و زبانش رحمت است
مبلغان، باید با رفتار و گفتار خود
ثابت کنند که وعظ و نصیحت و تبلیغ
آنان، نه از سر مال دوستی و مقام
خواهی است و نه از سر دشمنی و
سخت گیری؛ بلکه تنها از روی
شفقت، دلسوزی و علاقه به زندگی
سعادت‌مندان، اخلاقی و معنوی برای
مردم است.

خواجه نصیرالدین طوسی
می گوید: «محبت اختیار، چون از انتظار
منفعت و لذت حادث نشده باشد؛ بلکه
موجب آن مناسبت جوهر بود و مقصد

را بر این دو ستون (تعظیم امر الهی و شفقت بر بندگان خدا) بنا کرده‌اند و خانهٔ شرع را بر این دو قاعده نهاده‌اند.»^۱

صاحب کتاب «آینهٔ مکارم» گوید:
«این مطلب پوشیده نیست که صلاح و سامان اجتماع، در سایهٔ الفت، انس و محبت بین افراد آن اجتماع حاصل می‌شود؛ یعنی، جامعه و قتی سعادت‌مند است که هر چه بیشتر بین افراد آن جامعه انس، مودت و الفت باشد ... صلاح و سامان و رشد جامعه مبتنی بر این امر است و ارسال رسل و انزال کتب هم برای همین هدف بوده است؛ یعنی ایجاد الفت، انس، تعاون، همکاری و همیاری میان بشر ...»^۲

تبلیغ، آینهٔ تمام‌نمای محبت

کارسازترین شیوه در تبلیغ و ارشاد، محبت است. بزرگ‌ترین مسعزه یک مبلغ، در مهربانی و نیک‌دلی او نهفته است. پایه و اساس تربیت دینی، پرورش اخلاقی، تزکیه و تهذیب نفوس، هدایت و ارشاد و ...، دوستی با مردم و ابراز عشق و علاقه به آنان است.

نشانه‌ها و آثار دوستی را می‌توان

۱- الرسالة العلمية، ص ۱۴۵.

۲- آینهٔ مکارم، روح‌الله خاتمی رحمته، ص ۷۱.

رُؤُوفٌ رَحِيمٌ»؛^۳ «قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است.»

از سوی دیگر، به پیامبر ﷺ [و همه مبلغان دین] هشدار می‌دهد که اگر ملایمت و عطفوت به خرج ندهد و برخورد خشنی با مردم داشته باشد، آنان از اطراف حضرت رسول، پراکنده خواهند شد: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»؛^۴

«پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.»

نور خورشید و مه از عشق است عشق

شور درویش و شه از عشق است عشق

جوشش عشق است کساندر می‌فتاد

آتش عشق است کساندر نی‌فتاد

(مولوی)

ایشان خیر محض و التماس فضیلت باشد، از شائبه مخالفت و منازعت منزّه ماند و نصیحت یکدیگر و عدالت در معامله ... به تبعیت حاصل آید.»^۱

پس شخصی که دیگری را دوست دارد، نمی‌تواند شاهد گمراهی، فساد، معصیت و نگون‌بختی او و در نهایت داخل شدن وی در عذاب باشد.

در نتیجه بهترین دارایی خود (دانش و علم) را به او هدیه می‌کند تا او راه سعادت و نجات را بیابد و از برکات نصیحت، ارشاد و تبلیغ بهره‌مند گردد. از این رو است که پیامبر ﷺ

می‌فرماید: «نصیحت و خیرخواهی برای مؤمن، بر مؤمن واجب است.»^۲

«محبت و شفقت» جایگاه والایی

در سخنان و سفارش‌های قرآن،

پیامبر ﷺ، امامان معصوم علیهم‌السلام، عارفان

و دانشمندان دینی دارد. قرآن کریم،

بارها به این ویژگی پسندیده و انسانی

پیامبر ﷺ اشاره کرده و آن را باعث

موفقیت و کامیابی آن حضرت در

هدایت مردم تلقی کرده و ایشان را

مهربان، رؤوف و تشنه هدایت دانسته

است: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ

عَلَيْهِ مَا عَسَيْتُمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ

۱- اخلاق ناصری، خواجه نصیر طوسی، ص ۲۶۷.

۲- علم اخلاق اسلامی، ص ۲۵۶.

۳- توبه / ۲۸.

۴- آل عمران / ۱۵۹.

گفتارهای عارفان و دانشمندان

امام سجاد علیه السلام می فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ الْمُسْتَضِيعِ أَنْ تُوَدَّى إِلَيْهِ النَّصِيحَةُ وَلَيْكُنْ مَذْمُوبَكَ الرَّحْمَةَ لَهُ؛^۱ حَقِّ كَسِي كَهْ مِنْ تَوَصِيحَتِ مِي خَوَاهِدِ اَيْنِ اسْتِ كَهْ اَوْ رَا تَا حَدْ تَوَانَايِي اَتِ نَصِيحَتِ كُنِي وَ بَا اَوْ مَدَارَا كَرْدَه وَ مَهْرِبَانِ بَاشِي.»

«نصیحت»، به معنای پند و اندرز خالصانه و خیرخواهانه است و رکن اساسی تبلیغ، ارشاد و نصیحت دیگران است، پس باید با خیرخواهی و دلسوزی برای دیگران باشد. با ده خاک آلودتان مجنون کند

صاف اگر باشد، ندانم چون کند
(مولوی)

عارف الهی مرحوم بهاری همدانی انگیزه تبلیغ را رحمت و شفقت بر بندگان دانسته و می نویسد: «فرقه دیگری [از مبلغان و واعظان هستند] که تهذیب اخلاق کرده و تصفیة نفس کدورات نموده و نفس را از شوغل و علایق دنیویہ استخلاص فرموده و طمع خود را از خلق به سوی حق گردانیده و رحمت و شفقت بر عباد او را بر هدایت و ارشاد و اداشته ...»^۲

عالم ربّانی ملا مهدی نراقی نیز از این باب می گوید:

«از واعظان [کسی است] که اهل تهذیب اخلاق و مراقبت دل و پاکی درون از آلودگی باشد و دنیا در چشمش کوچک نماید و طمع از خلق بریده و التفاتی به آن‌ها نداشته باشد و مهربانی و شفقت بر بندگان خدا، او را به نصیحت و موعظه و رها ساختن ایشان از بیماری‌های گناهان فراخوانده باشد ...»^۳

راغب اصفهانی گفته است:

«از علل و اسباب برقراری نظام آفرینش و استواری امور مردم، یکی محبت است؛ و دیگری عدالت.» خداوند می فرماید: «به تحقیق آنان که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دادند؛ خداوند بخشنده، برای آنان مسجبتی [در نزد دیگران] قرار می دهد.»^۴ یعنی خداوند چنین افرادی را محبوب قلوب دیگران قرار می دهد ... و این بیانگر این نکته است

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۷۶.

۲- تذکرة المتقین، ص ۱۰۴.

۳- جامع السعادات، ج ۳، ص ۳۰.

۴- تحریریم / ۱۶.

سخن گوید و از درشت گویی، دشنام و تحقیر دیگران و یا رفتارهای ریاکارانه بپرهیزد.

عارف مشهور مرحوم ملکی تبریزی می‌گوید: «واعظ در خلال سخنانش، با نرمی و مدارا و بیانی ساده و به روش پیامبران، به حقیقت حقّه اشاره و با بیانی لطیف و الفاظ معروف دینی ... این حقایق را به اذهان نزدیک کند.»^۱

دانشمند والا مرتبه، مرحوم محدّث قمی رحمته الله، نیز گفته است: «[مبلغ دینی باید] با نرمی و مدارا رفتار کند که نرمی در همه کارها، اصلی است اساسی و بزرگ. در پایان وصیت خضر به حضرت موسی آمده است: «هیچ کس را بر گناهی سرزنش مکن. دوست‌ترین کارها نزد خدای تعالی، سه چیز است، میانه روی به هنگام توانگری، گذشت در توانایی و قدرت بر کیفر و نرمی با بندگان خدا. هر کس در دنیا با دیگری نرمی کند، خداوند در

که با دوستی و محبت، بهتر می‌توان عقاید و افکار دینی را بین مردم رواج داد. حتی بیشتر از خشونت و تندخویی؛ زیرا خشونت موجب تنفر است، ولی محبت، الفت‌آور می‌باشد.»^۱

روشن است که اگر تبلیغ و وعظ، حالت شفقت و دلسوزی به خود گیرد، کارسازتر و مؤثرتر خواهد افتاد زیرا:

۱. مبلغ محبوب قلوب مردم

می‌شود؛

۲. تسلیغ از روی حقد، کینه، دشمنی و ستیزه جویی نیست؛
۳. برای پول - شهرت و دنیا نمی‌باشد؛

۴. برای آزار و اذیت یا تحکم و فرمان دادن نیست؛

۵. از روی خودخواهی، غرور و حقیر پنداشتن دیگران نیست؛

۶. برای صرف انجام وظیفه نیست و فراتر از آن است؛

۷. امری انسانی، الهی و از سر نوع دوستی و خیرخواهی است.

البته این امر، مستلزم آن است که مبلغ با بیانی نرم و توأم با عطف با مردم ... [حتی گناه کاران و مفسدان]

۱- کرائه سعاد، ترجمه الودیعة الی مکارم الشریعة، ج ۱، ص ۲۱۶.

۲- المراقبات (اعمال السنة)، ص ۲۹۱.

دلسوزی، به پند و نصیحت پرداخت و در این راه، سختی‌ها، ناسزاگویی‌ها و نافرمانی‌ها را تحمل نمود.

توای شیخ حرم شاید ندانی
جهان عشق را هم محشری هست
گناه و نامه و میزان ندارد

نه او را مسلمی، نی کافری هست
(اقبال)

با شیوه عشق و محبت، هم بین خود مردم و نیز بین آنان و مبلغان دینی، الفت و انس ایجاد می‌شود و هم شراره‌های عشق الهی در درون آنان فروزان می‌گردد. در این صورت آنان به سوی معشوق و محبوب حقیقی رهنمون می‌شوند.

راهکارهای بایسته تبلیغی

واعظان و مبلغان با توجه به این ایده، رفتاری مناسب و اخلاق و برخوردی خداپسندانه دارند، یعنی؛

۱. شفقت و دلسوزی خود را شامل همه می‌کنند. در این صورت به افراد گناه‌کار، عصیانگر و فاسد نیز از روی ترحم و خیرخواهی نگاه می‌کنند و حتی در مورد خود نیز، دلسوز و

آخرت با او نرمی و مدارا کند.^۱
از محبت تلخ‌ها شیرین شود

از محبت مسرها زرین شود
از محبت دردها، صافی شود

از محبت دردها، شافی شود
از محبت مرده زنده می‌کنند

از محبت شاه، بنده می‌کنند
این محبت هم نتیجه دانش است

کی گزافه بر چنین سختی نشست
(مولوی)

امروز جامعه ما - به خصوص نوجوانان و جوانان - تشنه معنویت و اخلاق و شیفته برخوردهای نیک هستند. ظواهر تمدن غرب و هجمه‌های شیطانی آنان چنان در تار و پود جوانان رخنه کرده که جز با عشق و ایثار نمی‌توان با آنان صحبت کرد.

جوانان، دشمن دین و معنویت یا روحانیت نیستند؛ بلکه از امر و نهی و بایدها و نبایدها فرار می‌کنند. آنان گرفتار دام‌های تباہ کننده مفسدان، فاسقان و مغلظه‌بازان هستند و تنها با محبت و دوستی و زبان ملایم می‌توان با آنها صحبت کرد و از محاسن و فضایل مکارم اخلاقی سخن گفت. باید با جوانان دوستی کرد و از روی

شفیق هستند.

«ابراهیم اطروش می‌گوید: در کنار رود دجله همراه معروف کرخی نشسته بودیم؛ ناگهان عده‌ای از جوانان را دیدیم که در قایقی نشسته و از رودخانه رد می‌شدند. آنان در ضمن حرکت، سرگرم لهو و لعب بوده و به رقص و آوازه خوانی مشغول بودند.

بعضی از نزدیکان معروف کرخی، به او گفتند: آیا نمی‌بینی که آنان معصیت خدا را انجام می‌دهند؟ سزاوار است که نفریشان بکنی! معروف دست‌هایش را بلند کرد و

گفت: «خداوندا، همان طور که آنان را در دنیا شاد نموده‌ای، در آخرت هم شادشان بفرما». نزدیکانش گفتند: ما می‌خواستیم تو برای آنان نفرین کنی؛ ولی برای آن‌ها دعا کردی؟! معروف در جواب گفت: منظورم این است که اگر خدا بخواهد آن‌ها را در آخرت شاد بفرماید، وسایل توبه کردن آنان را فراهم می‌آورد و باعث می‌شود که آنان به سوی خدا بازگشت کنند.^۱

۲. رفتاری متین، همراه با خونسردی، منطقی، و محبت‌آمیز از خود ارائه می‌دهند.

۳. مفید و مختصر صحبت

می‌کنند و نفع مردم را همراه با خشنودی الهی در نظر دارند:

صاحب «المراقبات» نوشته است: «واعظ باید مانند پدری دانا که در تربیت فرزندان خود، در پی اصلاح آنان است [نه زیان رساندن به آنان] مصالح و منافع آن‌ها را در نظر گرفته و به حال آنان مفید باشد.»^۲

۴. در وعظ و ارشاد و امر به معروف، احترام و شخصیت طرف مقابل را حفظ می‌کند و بر احدی، طعنه نمی‌زند.

صاحب رساله «میزان المعرفة» می‌گوید: «اگر واعظ و روضه‌خوانی! بر منبر آن گوی که گفته باشند و خودت به آن گفتار معتقد باشی و طعن بر احدی مزن که مبعوض گردی و در کلامت وقعی نماند. در نکوهش طایفه مُبرِم مباش که وعظ تو دلپذیر نگردهد.»^۳

۵. اگر نصیحت و سخنشان را نپذیرفتند، آنان را طرد نمی‌کنند و موجب آزار و ناراحتی کسی

۱- المحجة البيضاء، ج ۷، ص ۲۶۷.

۲- المراقبات (اعمال السنه)، ص ۲۸۷.

۳- ضمیمه «عرفان الحق»، ص ۲۶۲.

راغب و مایل باشد و از رسیدن مال به دستش شادمان گردد ... پس چنین شخصی بیش از آن که دیگران را اصلاح کند، فاسد می‌سازد ...»^۲

۷. از تبلیغ و ارشاد دیگر مبلغان، خشنود و خرسنداند و بر آنان در هدایت کردن مردم، حسد نمی‌ورزند.
۸. نصایح و پندهای دیگران را در مورد خود بارویی گشاده و آغوشی باز می‌پذیرند و در صدد اصلاح اخلاق و رفتار خود برمی‌آیند.

۹. مخاطبان را اشخاصی فهیم، دانشا، دارای شخصیت و کرامت می‌دانند و از همین راه (کرامت و ارزش انسانی) به تبلیغ و ارشاد آنان می‌پردازند.

۱۰. متواضع، خوشرو و خونسرد هستند و از رفتارهای تصنعی و ریاکارانه می‌پرهیزند. مرحوم بهاری همدانی نوشته است: «از جمله خصوصیات عالم [و مبلغ] آن است که به خاطر خدای بزرگ، متواضع و

نمی‌شوند. صاحب «تذکرة المتقين» ضمن سفارش به نیک رفتاری، می‌گوید: «... نه این که مردم از او در حذر باشند که آزارش به آن‌ها نرسد.»^۱
۶. در ایجاد خوف و رجا، افراط نمی‌کنند و گناهکاران را بر معصیتشان جری نمی‌سازند و با رفتار خود باعث گریز از دین و یأس و ناامیدی نمی‌شوند. مرحوم ملکی تبریزی گوید: «واعظ نباید در ترسانیدن و یا امیدوار کردن، آن قدر زیاده روی کند که شنوندگان، مأیوس یا مغرور شوند و یا چیزی بگویند که شنونده غلو و زیاده روی کند.»^۲

مولا محمدمهدی نراقی رحمته الله گوید:
«شکئی نیست [که برخی از واعظان] گمراه‌اند و دیگران را نیز گمراه می‌کنند؛ زیرا سعیشان گفتن چیزی است که توده مردم را خوش آید تا بدین وسیله به اغراض فاسد خود برسند. از این رو پیوسته آنچه امید [نابه‌جا] را تقویت می‌کند، به زبان می‌آورند و بدین‌سان، جرأت و گستاخی مردم بر گناهان و میل و رغبتشان به دنیا افزون می‌شود، به خصوص اگر خود این واعظ نیز به دنیا

۱- تذکرة المتقين، ص ۱۳۰.

۲- المراقبات، ص ۲۸۵.

۳- علم اخلاق اسلامی، ص ۳۵۷.

فروتن باشد ...»^۱ که ممکن است به مسلمین برسد.^۴

علم حق، غیر از شریعت هیچ نیست
اصل سنت، جز محبت هیچ نیست
(اقبال)

طیب مشفق

مبلغانِ فرزانه، همواره مانند
طیبی دلسوز و خیرخواه، به درمان
امراض روحی مردم می‌پردازند و
جامعه را از امراض تباه‌کننده، پاک
می‌کنند. طیبانِ حاذق، با دلسوزی و
علاقه فراوان، بیماران خود را معاینه
می‌کنند، آن‌گاه به مداوا و درمان آنان
می‌پردازند، هر آنچه که به نفع آنان
است، تجویز می‌کنند و هر چیزی که
برای آن‌ها ضرر دارد، از آن منع
می‌نمایند.

مبلغان و ارشادگران نیز، با
دلسوزی به مداوای بیماران مبتلا به
مرض گناه و معصیت می‌پردازند و
برای هر کس و طایفه و شغل و سنی،
داروها و راهکارهای معین و مفیدی
ارائه می‌کنند.

۱۱. صبر و بردباری فراوانی در
این زمینه دارند و بر ناسزاگویی
دیگران، شکیبا و صابرند. صاحب
«تذکره المتقین» می‌گوید: «واعظ و
مبلغ [باید صفتش این باشد که هر قدر
اذیت و آزارش کنند، متحمل شود و به
خوشی قبول کند و بگوید: «اللَّهُمَّ اهْدِ
قَوْمِي فَأَتَهُمْ لَا يُغْلَمُونَ»؛ خدایا قوم مرا
هدایت کن؛ زیرا آنان نمی‌دانند.»^۲

۱۲. در بیان احکام و دستورات
الهی سخت‌گیری نمی‌کنند و آن‌ها را به
صورتی زیبا و دلپسند ارائه می‌دهند.
مرحوم ملکی تبریزی نوشته است:
«واعظ [نباید با سخت‌گیری به بندگان
و گفتن چیزهایی که مردم نمی‌توانند
انجام دهند، آن‌ها را متنفر و موجب
بیزاری مردم از خیر، شرع، عبادات،
علوم، پیامبران و خدای متعال گردد.»^۳

۱۳. از آن جایی که دلسوز همه
هستند، تفرقه و اختلاف ایجاد
نمی‌کنند و بر جهل و نادانی مردم
نمی‌افزایند. صاحب المراقبات گوید:

«واعظ [نباید، مردم را در نادانی
ببندازد یا فتنه‌انگیزی کند و باعث قتل،
تاراج، اسارت و سایر ضررهایی شود

۱- تذکره المتقین، ص ۱۳۱.

۲- همان، ص ۱۳۰.

۳- المراقبات، ص ۲۸۵.

۴- همان.

دانشمندان الهی حائز این صفت خدا پسندانه می‌باشند. در تفسیر نمونه درباره این ویژگی نورانی پیامبر ﷺ آمده است:

خداوند می‌فرماید: «ما از جانب خود رسولی از خودتان برای هدایتتان فرستاده‌ایم که از فرط محبت و نوع‌پروری، نادانی و گمراهی شما بر او سخت می‌آید و نمی‌تواند تحمل کند. بر آسایش و نجات شما بسیار حریص و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است. مخصوصاً این که به جای «منکم» در این آیه «من انفسکم» آمده است که اشاره به شدت ارتباط پیامبر ﷺ با مردم است. گویی پاره‌ای از مردم، از روح جامعه در شکل پیامبر ظاهر شده است. به همین دلیل، تمام دردهای آن‌ها را می‌داند؛ از مشکلات آنان آگاه و در ناراحتی‌ها، غم‌ها و اندوه‌ها با آنان شریک است و با این حال تصور نمی‌شود سخنی جز به نفع آنان بگوید و گامی جز در راه آن‌ها بردارد...»^۱

عارف الهی ملکی تبریزی رحمته الله علیه می‌گوید: «واعظ باید شنوندگان خود را بیمارانی که مبتلا به امراض معنوی مختلفی‌اند دانسته، خود را طیب معالج و سخنان و موعظه‌هایش را، داروها و معجون‌هایی بدانند که می‌خواهد آنان را با آن معالجه کند.»^۱

عارف ربّانی مرحوم بهاری همدانی نیز می‌گوید: «عمده مطالب این که ... نظر او، نظر طبیب مشفق باشد. ببیند به چه نحو اصلح به دین و دنیای او است، آن نحو سلوک کند.»^۲

عاشقان را کار نبود با وجود

عاشقان راهست بی‌سرمايه سود

جان تلخ و شور، پیش او برند

جان چون دریای شیرین را خرنند

گفتنی است که خداوند از همه

مهربان‌تر و دلسوزتر برای انسان‌ها

است و صلاح و خیر آنان را بیشتر از

هر کس می‌داند. پس از خدای تعالی

پیامبر اکرم ﷺ نسبت به همه، مهربان و

رئوف بود و در جهت هدایت و ارشاد

مردم سر از پا نمی‌شناخت، مشکلات

و سختی‌ها را تحمل می‌کرد؛ ملایم و

خوش‌برخورد بود، سپس امامان

معصوم علیهم‌السلام و در مرتبه بعد عارفان و

۱- همان، ص ۲۸۹.

۲- تذکرة المتقین، ص ۷۱.

۳- تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۲۰۶.